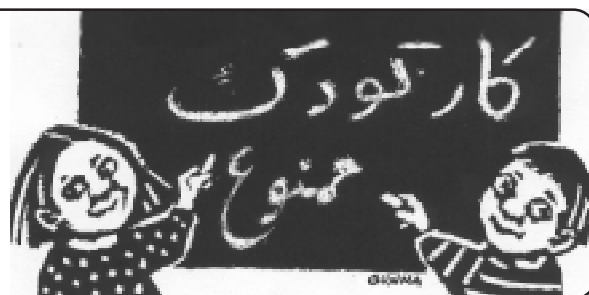


کودکان در ایران

خبرنامه «جمعیت آغای کار کودکان در ایران»

شماره ۱ - مارس ۲۰۰۱



خواهد کرد؛ مگر تحت عنوان شرایط اجتماعی قرار داده شود. وجود این قانون، که پیش از آن که قانونی الهی باشد، ریشه در بهره کشی و استثمار شدید کودکان در عرصه های مختلف نساجی، ریسندگی و بافتن جاجیم، گلیم و فرش، کار در مزارع و کارگاه های کوچک و کار خانگی دارد، بنوبه خود به استثمار مضاعف و تبعیض آشکار جنسی علیه کودکان کمک می کند. تبعیض علیه کودکان دختر، همان آپارتاید جنسی علیه زنان است که از دوران طفولیت گریبان آنان را می گیرد.

* کودکان دختر در عرصه صنعتی، درصد بیشتری از کار را به خود اختصاص می دهند

از بین شاغلین ۱۰ تا ۱۴ ساله کشور، که بنا به آمار دولتی تعدادشان ۲۶۴۵۵۷ نفر است، ۴۳ درصد در نوعی کار خانوادگی مشغول هستند که از این بین ۶۲/۲۵ درصد دختر می باشند. جمعا یک میلیون و ۷۵۳ هزار و ۹۷۹ نفر کودک ۶ الی ۱۴ ساله به مدرسه نمی روند، که دلیل عمده آن اشتغال به کار است. غیر از کودکانی که هم درس می خوانند و هم کار می کنند، ۴۹۷۰ کودک ۱۰ تا ۱۴ ساله وجود دارند که حقوق بگیر بخش دولتی اند. ۷۲/۳ درصد دختران شاغل، در بخش صنعت کار می کنند؛ در حالی که این رقم برای کودکان پسر ۳۲/۵ درصد است. این دختران در صنعت قالی باقی، ریسندگی و منسوجات کار می کنند. (نشریه «زنان»، اسفند ۱۳۸۷)

* پائین آمدن سطح و کیفیت آموزش، بر اساس تبعیضات جنسی

بر اساس دستورالعمل شورای نظارت اداره کل آموزش و پرورش تهران، از ابتدای سال ۱۳۷۸ تدریس دبیران غیر همجنس شاگردان در آموزشگاه های علمی آزاد زبان مجاز نیست. از این پس حضور دبیران زن در کلاس های پسران بالای ده سال و حضور دبیران مرد در کلاس های دختران اکیدا ممنوع شده است. (نشریه «زنان»، اسفند ۱۳۸۷)

* محرومیت از تحصیل بیشتر گریبان دختران را می گیرد

* فاطمه تندگویان، مشاور وزیر آموزش و پرورش و مدیر کل امور بانوان، گفته است: "یک میلیون و ۶۸۹ هزار دانش آموز دختر به علت کمبود امکانات در مناطق محروم کشور از تحصیل باز مانده اند... متوسط سرانه فضای آموزشی دختران ۳/۳۷ متر مربع در مقابل سرانه ۵ متر مربعی برای پسران است. هم چنین از ۹۱۵ مرکز شبانه روزی آموزش فعال، فقط یک سوم متعلق به دختران است." وی اختصاص مدارس روزانه را به دخترانی که هم زمان با تحصیل

از آنجا که ابعاد بی حقوقی کودکان در ایران، و به ویژه وضعیت کار و بردگی آنان، در سطح افکار بین المللی انعکاس کمی یافته و سازمان های بین المللی موجود و ذیربط هم تلاشی برای نشان دادن این وضعیت در سطح عمومی و علنی ننموده اند، «جمعیت آغای کار کودکان در ایران» فعالیت خود را بر توضیح وضعیت کار کودکان در ایران و انعکاس ابعاد بی حقوقی آنان متمرکز نموده است. خبرنامه «کودکان در ایران» تلاش می کند که با درج اخبار مربوط به بی حقوقی و کار کودکان در این کشور، به زبان های مختلف، توجه جهانیان و افکار عمومی بین المللی را به این مساله جلب نموده و مبارزه علیه آن را سازمان دهد.

سوسن بهار

* وضعیت کودکان دختر در ایران

بنا به قانون مدنی ایران، سن بلوغ و ازدواج برای دختران، ۹ سال است. اخیرا تحت فشارهای بین المللی و فعالیت های مدافعان حقوق کودک برای تعریف کودک و سن کودکی مطابق کنوانسیون حقوق کودکان - که دولت ایران هم آن را امضا نموده است - پیشنهاد افزایش این مرز سنی به ۱۴ سال مطرح شده است؛ که احتمال داده می شود از طرف شورای نگهبان با مخالفت روبرو شود. «ایرنا»، خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران، طی ماه اوت ۲۰۰۰، در این مورد گزارش داده است که: "شورای نگهبان قانون منع خرید و فروش کودکان دختر را تایید نخواهد کرد. با تصویب کلیات طرح اصلاح تبصره ماده ۱۴۹ قانون اصلاح موادی از قانون مدنی مصوب ۱۳۷۰، در جلسه مورخ ۱۹/۵/۷۹ مجلس، موافقان و مخالفان تغییر سن ازدواج دختران و پسران دیدگاه های متفاوتی بیان کرده اند." ماده ۱۴۹ قانون مدنی جمهوری اسلامی، نوعی مجاز شناختن بردگی و فروش دختران خردسال توسط افراد خانواده آنهاست. این قانون می گوید: ازدواج قبل از بلوغ ممنوع است، اما ازدواج فرد صغیر با اجازه قیم وی در صورتی که مصالح کودک در نظر گرفته شده باشد، مانعی ندارد. بر اساس این ماده، حتی می توان کودکان زیر ۹ سال را از همان بدو تولد به نام «مصالح کودک»، «پیش فروش» کرد. گزارش می افزاید: "آن چه که کلیاتش در مجلس تصویب شده، رساندن سن رسمی ازدواج دختران به ۱۴ و پسران به ۱۷ سال است. به گفته عزت السادات میرخانی، کارشناس حقوقی فقهی، شورای نگهبان با اصلاحیه مجلس مخالفت خواهد کرد. او می گوید: در قانون شرع، سن بلوغ برای دختران بین ۹ تا ۱۳ و پسران ۱۰ تا ۱۶ سال است و اگر مبنای مجلس قوانین اسلامی است، قطعا شورای نگهبان کلیات این طرح را رد

ازدواج می‌کنند، بهترین شیوه برای ادامه تحصیل آنان دانست و گفت: "در مقطع سنی ده تا چهارده سال، ۵۳ هزار و ۴۷۳ دانش آموز و در مقطع سنی پانزده تا نوزده سال، ۶۱۷ هزار و ۹۲۰ دانش آموز دختر متاهل هستند. (همان منبع)

* دختران سهمی از ورزش ندارند

به گفته فاطمه تندگویان، مشاور وزیر آموزش و پرورش و مدیر کل امور بانوان: پیش از یک هزار سالن ورزشی ویژه پسران وجود دارد، در حالی که فقط ۱۱ سالن ورزشی متعلق به دختران است."

* فقر حرکتی مشکل عمده دانش آموزان دختر

"بر اساس مشاهدات و بررسی‌های علمی، پرورشی و نتایج مطالعات بر روی دانش آموزان دختر ۱۶ استان کشور، مشکلات و ناهنجاری‌های بسیاری در اندام‌های تحتانی و فوقانی آنان مشاهده شده است. تحقیقات بر روی ۶۰۰ دانش آموز دختر هر استان و ۱۸ هزار دانش آموز در مجموع، نشان دهنده ۲۲ مورد ناهنجاری‌های اندامی است. دلایل عمده این نارسائی‌ها،

فقر حرکتی، غیر استاندارد بودن میز و نیمکت های مدارس و شرایط محیطی نامناسب می‌باشد. (روزنامه «آفتاب»، مهر ۱۳۷۸)

* شادی و آزادی کودکان دختر از همان طفولیت بر مبنای قوانین مذهبی گناه شمرده می‌شود

"وی در بخشی از سخنانش که واکنش های منفی بسیاری برانگیخت، طرز تربیت دختران را بد دانست و خطاب به پدران و مادران گفت: دختر سه چهار سالهات را مثل عروسک تزئین می‌کنی، از عروسک هم زیباتر درستش می‌کنی و به مهمانی می‌بری، یواش یواش بزرگتر که می‌شود، لباس قشنگتر تنش می‌کنی، بعد اجازه می‌دهی با دوچرخه در خیابان بازی کند... چه پایش است؟ یک شورت کوتاه..." (به نقل از گفته های محمد یزدی در نماز جمعه تهران، نشریه «زنان»، اسفند ۱۳۷۸)

* تبعیض علیه کودکان دختر، جزء مهمی از ساختار عقیدتی و قانونی رژیم جمهوری اسلامی است

تبعیض علیه کودکان دختر و زنان در ایران، ناشی از قوانین مدنی

و قضایی رژیم جمهوری اسلامی است. به عنوان نمونه طبق این قوانین: دختر نصف پسر ارث می‌برد؛ از سن ۹ سالگی بالغ به شمار می‌آید و می‌تواند شوهر داده شود، اما علی رغم این اجازه دخل و تصرف در دسترنج خود را ندارد، بلکه پدر و شوهر و یا قیم مرد دیگری باید از جهت مصالح او بر نحوه خرج کردنش نظارت نمایند؛ در صورت کشتن فرزند دختر، مجازات کمتری برای والدین در نظر گرفته می‌شود؛ و حکم وحشیانه و چندش آور قصاص بیشتر متوجه دختران و زنان است.

وجود و کارکرد قوانین مدنی و قضایی جمهوری اسلامی و پافشاری رهبران دولتی آن بر تبعیض و آپارتاید جنسی علیه دختران و زنان، به موقعیت شدت فرودست زنان در جامعه انجامیده و آزار جنسی

کودکان دختر را فوق العاده بیشتر کرده است. تحت حمایت قوانین تبعیض جنسی، خشونت علیه کودکان دختر افزایش یافته و در مقابل مجازاتی کمتر از معمول علیه این خشونت‌های جنسی اعمال می‌شود. به عنوان نمونه: قانونی بودن سن ازدواج ۹ ساله برای دختران، یک تجاوز آشکار و رسمی به حقوق این کودکان است. به ویژه آن که علم پزشکی ثابت نموده است، که وضع حمل قبل از



۱۸ سالگی مشکلات جسمی فراوان و خطرناکی را برای زنان به همراه دارد. تیترا و اخبار زیر - که از روزنامه های ایران برگرفته شده‌اند - فقط نمونه هایی از اخبار مشابه فراوان در این زمینه هستند: در بیمارستان فیروز آباد تهران، در خرداد ۱۳۷۸، دختر ۱۲ ساله‌ای مادر شد؛

- پدری که دختر ۱۴ ساله‌اش را کشته بود و جسدش را در بیابان انداخته بود، به ۳ سال زندان و پرداخت نصف دیه محکوم شد؛

- دختران از بیماری‌های روحی و افسردگی شدید رنج می‌برند؛

- فاطمه تندگویان، مشاور وزیر آموزش و پرورش و مدیر کل امور بانوان، اعلام کرد که: در تهران روزانه ۲۰ نفر تمایل به خودکشی پیدا می‌نمایند که از این تعداد ۸ نفر از بین می‌روند که بیشتر آن‌ها دخترند. وی اضافه کرد ۷۳ درصد دختران جوان وقتشان را به بطالت می‌گذرانند؛

- میزان خودکشی در دختران نسبت به سال ۱۳۷۶، ۱۳ درصد افزایش داشته است؛

- علت خودکشی دختران از جمله مورد سوء استفاده جنسی قرار گرفتن آنان توسط نزدیکان ذکر شده است؛

Adress: Box 854
101 37 Stockholm
Sweden

مسئول ترجمه خبرنامه به انگلیسی: پروین اشرفی

Mobil: (46) 70- 77 162 27
Fax: (46) 8- 29 80 56
E. mail: suzanbahar@hotmail.com

دبیر («جمعیت...») و مسئول خبرنامه: سوسن بهار